

رهبر حکیم انقلاب، ۲۰ اردیبهشت‌ماه هم‌زمان با میلاد با سعادت حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) و در سالی که با عنوان «سرمایه‌گذاری برای تولید» مزین شده است، در دیداری صمیمانه با کارگران به بیان نکاتی کلیدی و راهبردی درباره مسائل کار و تولید پرداختند. ایشان با تأکید بر نقش بنیادین کارگران در پیشرفت کشور، کار را دارای ارزشی والا دانسته و کارگر را ستون استوار اقتصاد ملی معرفی کردند. در این بیانات اِلهام‌بخش، محورهایی مهم همچون ارزش‌گذاری کار و کارگر، تأمین امنیت شغلی، جلوگیری از تعطیلی کارخانه‌ها، امنیت شغلی کارآفرین، مهارت‌افزایی کارگران، ایمنی کارگر، حمایت از تولید داخلی، مشارکت کارگران در سود تولید، تأمین مسکن کارگری، تقویت فرهنگ محیط کار و توجه به تنوع نیروی کار با نگاهی آینده‌نگر و دقیق مورد تأکید قرار گرفتند؛ مسائلی که می‌توانند نقشه راهی مؤثر برای تحکیم پیوند میان تولید و معیشت باشند. در سلسله گزارش‌های پیش‌رو، هر یک از این محورها به‌صورت جداگانه واکاوی و تلاش شده است ابعاد گوناگون آنها روشن و پیشنهادهایی کاربردی برای سیاستگذاران، کارفرمایان و بدنه کارگری کشور ارائه شود. هفتمین گزارش به حمایت از تولید داخل می‌پردازد.

سلسله گزارش‌های «جوان» درباره مسائل کارگری - ۷

حمایت از تولید داخلی بدون بهبود کیفیت محصولات معنادار دارد

خرید کالای ایرانی، فراتر از یک تصمیم مصرفی، اقدامی راهبردی برای تقویت تولید ملی و افزایش تاب‌آوری اقتصادی است. در شرایطی که اقتصاد کشور مان‌با چالش‌هایی نظیر تحریم‌های تحمیلی، محدودیت‌های ارزی و افت بهره‌وری صنعتی روبه‌روست، جهت‌گیری تقاضای داخلی به سمت محصولات ایرانی می‌تواند به‌عنوان یک اهرم مؤثر در پایداری اقتصاد عمل کند. مصرف کالای داخلی به‌ویژه در صنایعی که مزیت نسبی دارد، مستقیماً بر حفظ اشتغال، افزایش ظرفیت تولید و کاهش نیاز به واردات اثر گذار است. این انتخاب، در عین حال که چرخ تولید را به حرکت درمی‌آورد، پیام روشنی به سرمایه‌گذاران و فعالان صنعتی مخابره می‌کند: بازار داخلی ظرفیت دارد و حمایت از آن توجیه اقتصادی خواهد داشت. البته حمایت از تولید داخل به معنای چشم‌پوشی از کیفیت یا قیمت رقابتی نیست. تاجر به نشان داده تنها در فضای رقابتی و همراه با مطالبه‌گری مصرف‌کننده است که بنگاه‌ها به ارتقای مستمر کیفیت و بهره‌وری تن می‌دهند. در این مسیر، سیاستگذار موظف است از یکسو سیاست‌های حمایتی هدفمند، موانع پیش‌روی تولیدکنندگان داخلی را کاهش دهد. تثبیت فرهنگ خرید کالای ایرانی نیازمند تعامل هوشمندانه میان دولت، تولیدکننده و مصرف‌کننده است؛ زمانی که این سه ضلع در یک مسیر هماه‌فزا حرکت کنند، حمایت از تولید داخلی از یک شعار به یک رفتار اقتصادی نهادینه وثمربخش تبدیل خواهد شد.

اقتصادها در دنیای امروز بیش از هر زمان دیگری به یکدیگر وابسته شده‌اند و بازارهای جهانی با رقابت‌های پیچیده و بی‌وقفه شکل گرفته‌اند، در چنین شرایطی حمایت از تولید داخلی به یک ضرورت حیاتی تبدیل شده است. تولید داخلی نه تنها یک گزینه اقتصادی بلکه یک مسئولیت ملی و اخلاقی برای هر کشوری است که خواهان حفظ استقلال اقتصادی، امنیت شغلی و توسعه پایدار است. وقتی کشوری

بتواند نیازهای اساسی خود را از طریق تولیدات داخلی تأمین کند، در برابر شوک‌های خارجی، تحریم‌ها و نوسانات بازارهای جهانی مقاوم‌تر خواهد بود. تولید داخلی به‌عنوان موتور محرکه توسعه اقتصادی، اشتغال‌زایی گسترده و رشد فناوری و نوآوری عمل می‌کند. با حمایت از صنایع داخلی، می‌توان زمینه را برای ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار فراهم و از مهاجرت نیروهای متخصص جلوگیری کرد. همچنین تولید داخلی موجب افزایش ارزش افزوده در اقتصاد کشور می‌شود و گردش مالی داخلی را بهبود می‌بخشد. این موضوع به معنای تقویت قدرت خرید مردم و رشد تقاضای داخلی است که به نوبه خود چرخه اقتصادی را رونق می‌بخشد. علاوه بر مزایای اقتصادی، تولید داخلی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی مهمی نیز دارد. حفظ و ترویج صنایع بومی و سنتی، تقویت حس ملی‌گرایی و ارتقای هویت فرهنگی از جمله دستاوردهای حمایت از تولید داخلی است. در مقابل، این حوزه با چالش‌هایی مانند رقابت با کالاهای خارجی ارزان‌قیمت، کمبود فناوری‌های نوین و محدودیت‌های تأمین مواد اولیه مواجه است که نیازمند سیاستگذاری‌های هوشمندانه و حمایت مستمر دولت و بخش خصوصی است.

■ واردات کالاهای مشابه تولید داخل ممنوع
البته حمایت از تولید داخلی باید فراتر از یک شعار صرف به عنوان یک راهبرد کلان و بنیادین برای حفظ استقلال اقتصادی و تقویت بنیان‌های اجتماعی مورد توجه ویژه قرار گیرد. چنین نگاهی از سوی رهبر حکیم انقلاب وجود دارد و بارها به موضوع تولید به عنوان قائمه اقتصاد تأکید کرده‌اند، بنابراین چنین نگاهی باید در بدنه مدیران اجرایی نیز وجود داشته باشد. هنگامی که مصرف‌کنندگان ترجیح می‌دهند کالای داخلی را انتخاب کنند، در حقیقت به کارگران ایرانی، سرمایه‌گذاران بومی و کل چرخه تولید ملی جان تازه‌ای می‌بخشند. این انتخاب آگاهانه مستقیماً منجر به ایجاد اشتغال پایدار، کاهش نرخ بیکاری و افزایش درآمد خانوارها می‌شود که به نوبه خود نقش مهمی در کاهش نابرابری‌های اجتماعی و تقویت رفاه عمومی دارد. از سوی دیگر، خرید کالای خارجی

در شرایطی که نمونه مشابه با کیفیت مطلوب داخلی وجود دارد، به معنای خروج سرمایه و فرصت‌های شغلی از کشور است. این امر نه تنها ضربهای جدی به اقتصاد ملی وارد می‌کند بلکه از دیدگاه اخلاقی نیز جای تأمل دارد، چراکه اولویت دادن به کارگر و تولیدکننده خارجی به جای حمایت از هموطنان و توسعه ظرفیت‌های داخلی با اصول انصاف، فراهم و از مهاجرت نیروهای متخصص جلوگیری کرد. همچنین تولید داخلی به‌حالت اجتماعی و همبستگی ملی همخوانی ندارد. تولیدکننده داخلی که با حمت و تلاش به دنبال رشد و تعالی است، نیازمند حمایت واقعی و ملموس مردم و سیاستگذاران است تا بتواند در برابر چالش‌های بازارهای رقابتی بایستد و موفق شود.

■ ضرورت همراهی دولت، بخش خصوصی و مردم

علاوه بر مزایای اقتصادی، حمایت از تولید داخلی به معنای تقویت خودباوری ملی و ارتقای هویت جمعی است. وقتی محصولی با می‌زند(برند) ایرانی در خانه‌های ما جای می‌گیرد، غرور ملی افزایش می‌یابد و اعتماد به توانایی‌ها و ظرفیت‌های داخلی بیشتر می‌شود. این اعتماد به نفس ملی انگیزه‌ای قوی برای تولیدکنندگان فراهم می‌کند تا با ارتقای کیفیت، نوآوری و بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته، جایگاه خود را در بازارهای داخلی تثبیت و حتی در بازارهای جهانی رقابت کنند. خودکفایی اقتصادی به‌ویژه در شرایط دشوار تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی تنها با تکیه بر توانمندی‌های داخلی و حمایت مستمر از تولیدکنندگان امکان‌پذیر است. نمونه‌های موفق جهانی مانند ژاپن و کر جنوبی نشان می‌دهد حمایت هدفمند و هوشمندانه از تولید داخلی می‌تواند زمینه‌ساز جهش‌های بزرگ اقتصادی و تبدیل شدن به قدرت‌های صنعتی و فناوریانه در جهان باشد. این کشورها با ایجاد سیاست‌های حمایتی مناسب، سرمایه‌گذاری در بخش تحقیق و توسعه و آموزش نیروی انسانی توانستند به سرعت به سطوح بالایی از توسعه صنعتی و اقتصادی دست یابند و جایگاه خود را در بازارهای جهانی تثبیت کنند. طبعاً حمایت از تولید داخلی یک حرکت راهبردی و بلندمدت است که علاوه بر مزایای اقتصادی و اجتماعی با امنیت



سید مصلح پیرخبرنیاان | ایرنا

دولت باید با طراحی سیاست‌های هدفمند در تأمین مالی بازارسازی و خرید دولتی زیرساخت واقعی رشد تولید ملی را فراهم کند

ملی نیز از تباطؤ مستقیم دارد. وابستگی بیش از حد به واردات کالاهای اساسی و تکنولوژی‌های حیاتی، کشور را در معرض تهدیدات خارجی و فشارهای سیاسی قرار می‌دهد. بنابراین تقویت تولید داخلی برای حفظ استقلال، امنیت اقتصادی و افزایش تاب‌آوری کشور در برابر بحران‌ها و نوسانات جهانی است. به این ترتیب، حمایت از تولید داخلی نه تنها موجب رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی می‌شود، بلکه پایه‌های توسعه پایدار، خودکفایی و قدرت ملی را نیز مستحکم می‌کند. ضرورت این موضوع بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود و نیازمند همراهی همه جانبه دولت، بخش خصوصی و مردم است تا با یک عزم ملی، آینده‌ای روشن‌تر و شکوفاتر برای کشور رقم زده شود.

■ زبان الکن حمایت از تولید داخلی

با وجود اهمیت بسیار بالای تولید داخلی در حفظ استقلال اقتصادی و تقویت بنیه‌های ملی، این بخش حیاتی از اقتصاد کشور با چالش‌های متعددی مواجه است که رفع آنها نیازمند توجه جدی و راهکارهای عملی است. یکی از بزرگ‌ترین موانع پیش‌روی تولید داخلی، مسئله اطلاع‌رسانی موجب شده است اما نباید این نگرش به‌صورت کلی و مطلق کیفیت محصولات است. بسیاری از مصرف‌کنندگان بر این باورند که کالاهای خارجی از کیفیت بالاتری برخوردارند و این تصور حتی در برخی موارد صحیح است اما نباید این نگرش به‌صورت کلی و مطلق پذیرفته شود. واقعیت این است که بسیاری از محصولات ایرانی، قابلیت رقابت با نمونه‌های خارجی را دارند و در مواردی کیفیت بهتری نیز ارائه می‌دهند اما ضعف‌های موجود در حوزه بازاریابی، برندسازی و اطلاع‌رسانی موجب شده است این توانمندی‌ها کمتر دیده شوند و بازار از آنها استقبال نکند. مشکل دیگر به سیاست‌های اقتصادی و تجاری ناپایدار و گاه متناقض بازمی‌گردد. تصمیمات شتابزده به‌ویژه در زمینه آزادسازی واردات، ضربات جدی به تولیدکنندگان داخلی وارد می‌کند. ورود بی‌رویه کالاهای خارجی به بازار، تولیدکنندگان داخلی را که با مشکلاتی همچون تأمین مواد اولیه، افزایش هزینه‌های تولید و کمبود نقدینگی دست و پنجه نرم می‌کنند، در وضعیت نامناسبی قرار می‌دهد

و از قدرت رقابت آنها می‌کاهد. این شرایط سبب می‌شود تا بسیاری از صنایع داخلی توان ادامه فعالیت را از دست بدهند و اشتغال پایدار به مخاطره بیفتد. فرهنگ مصرف نیز یکی از چالش‌های اساسی است که بر حمایت از تولید داخلی اثر گذار است. مصرف‌کنندگان تحت تأثیر تبلیغات گسترده و ویژگی‌های خارجی و باورهای نادرستی که درباره کیفیت پایین محصولات داخلی شکل گرفته است، ترجیح می‌دهند کالاهای وارداتی را انتخاب کنند. این گرایش نیازمند تغییر اساسی است و باید با یک حرکت فرهنگی گسترده که رسانه‌ها، آموزش و پرورش و نهادهای فرهنگی نقش محوری در آن ایفا می‌کنند، اصلاح شود. ترویج فرهنگ مصرف کالای ایرانی و ایجاد اعتماد عمومی نسبت به محصولات داخلی، یکی از کليدهای موفقیت در این مسیر است.

■ چه باید کرد؟

برای مقابله با این چالش‌ها و تقویت تولید داخلی باید رویکردی جامع و چندجانبه اتخاذ شود. در درجه اول، ارتقای کیفیت محصولات باید به‌عنوان هدف اصلی تولیدکنندگان در نظر گرفته شود. سرمایه‌گذاری در حوزه تحقیق و توسعه، به‌کارگیری فناوری‌های نوین و بهبود مستمر فرایندهای تولید می‌تواند محصولات ایرانی را به استانداردهای جهانی نزدیک و اعتماد مصرف‌کنندگان را جلب کند. به‌عنوان مثال، در صنعت خودروسازی که یکی از حوزه‌های حساس و پرچالش تولید داخلی است، تمرکز بر کاهش مصرف سوخت و افزایش ایمنی می‌تواند به رشد بازار داخلی کمک شایانی کند. از سوی دیگر، دولت نقش کلیدی و انکارناپذیری در حمایت از تولید داخلی دارد. سیاستگذاری‌های هدفمند مانند محدودیت واردات کالاهای مشابه داخلی، ارائه تسهیلات مالی، کاهش موانع اداری و ایجاد فضای کسب‌وکار مساعد می‌تواند به رونق تولید کمک کند. همچنین توسعه بازارهای صادراتی برای محصولات ایرانی باعث افزایش رقابت‌پذیری و درآمدزایی بیشتر خواهد شد. علاوه بر این تقویت برندسازی و بازاریابی مؤثر نیز اهمیت زیادی دارد. تولیدکنندگان باید با بهره‌گیری از تبلیغات خلاقانه و استفاده از ظرفیت‌های بازار دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی، محصولات خود را به شکل بهتری معرفی کنند. نهایتاً آموزش و توانمندسازی نیروی کار به‌عنوان ستون اصلی تولید نباید فراموش شود. ارتقای مهارت‌ها و دانش فنی کارگران، افزایش بهره‌وری و کیفیت تولید را به دنبال دارد. تشویق نوآوری و حمایت از شرکتهای دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌ها نیز از دیگر راهکارهای حیاتی است که می‌تواند به خلق محصولات با ارزش افزوده بالا و افزایش توان رقابتی کشور منجر شود. موفقیت‌های کشورمان در حوزه فناوری‌های پیشرفته مانند صنعت دفاعی نمونه‌ای بارز از ظرفیت بالقوه نیروی انسانی کشور است که می‌تواند در سایر بخش‌های اقتصادی نیز به‌کار گرفته شود.

■ آورده‌های حمایت از تولید داخلی

حمایت از تولید داخلی مجموعه‌ای از تأثیرات مثبت و گسترده را در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و بین‌المللی به همراه دارد. از منظر اقتصادی، این حمایت به کاهش وابستگی کشور به واردات، افزایش تولید ناخالص داخلی و بهبود تراز تجاری منجر می‌شود، زیرا هر واحد کالای تولید شده در داخل، سهمی در تقویت اقتصاد ملی و گردش سرمایه داخلی دارد. این روند در نهایت به ارتقای قدرت اقتصادی کشور کمک می‌کند و موجب می‌شود کشورمان به‌عنوان یک اقتصاد پویا و خودکفا در عرصه جهانی شناخته شود. در سطح اجتماعی نیز حمایت از تولید داخلی باعث ایجاد اشتغال پایدار و کاهش نرخ بیکاری می‌شود که این موضوع خود منجر به کاهش فقر و ارتقای سطح زندگی مردم می‌گردد. تقویت صنایع داخلی، حس همبستگی ملی و غرور نسبت به توانمندی‌های داخلی را افزایش می‌دهد و پیوندهای اجتماعی را مستحکم‌تر می‌سازد. وقتی مردم به تولیدکنندگان و محصولات داخلی اعتماد پیدا کنند، این امر یک چرخه مثبت برای رشد و توسعه همه‌جانبه ایجاد می‌کند. از دیدگاه زیست‌محیطی نیز تولید داخلی می‌تواند نقش مهمی ایفا کند. کاهش واردات کالا به معنای کاهش حجم حمل‌ونقل بین‌المللی است که به نوبه خود به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و کاهش ردپای کربن کمک می‌کند. همچنین تولیدکنندگان داخلی معمولاً با رعایت استانداردهای زیست‌محیطی و به‌کارگیری فناوری‌های پاک‌تر، محصولات سازگار با محیط زیست ارائه می‌دهند که هم به حفظ منابع طبیعی کمک و هم سلامت مصرف‌کنندگان را تضمین می‌کند. حمایت از تولید داخلی، بیش از یک انتخاب اقتصادی، یک مسئولیت ملی و اجتماعی است که آینده کشور را رقم می‌زند. با خرید کالای ایرانی، نه تنها از کارگران و تولیدکنندگان داخلی حمایت می‌کنیم بلکه به ساختن اقتصادی مقاوم، خودکفا و رو به رشد یاری می‌رسانیم. این مسیر تنها با همکاری همه‌انگ دولت، تولیدکنندگان و مردم می‌تواند به موفقیت برسد. فرهنگ‌سازی گسترده برای ترویج مصرف کالای ایرانی، بهبود کیفیت محصولات و سیاستگذاران‌های هوشمندانه از ارکان اصلی این حمایت است که می‌تواند ایران را به جایگاه شایسته‌اش در عرصه جهانی برساند.



دهد و اهداف توسعه پایدار را به خطر اندازد. بنابراین اهتمام جدی و هماهنگ میان بانک مرکزی، دولت و فعالان بخش خصوصی برای اصلاح این وضعیت ضروری و غیر قابل اجتناب است. علاوه بر موارد ذکر شده، ناترازی بانک‌های خصوصی می‌تواند باعث اختلال در جریان اعتباری به بخش‌های مولد اقتصاد شود و سرمایه‌گذاری‌های کلان را کاهش دهد. این امر رشد اقتصادی را کند می‌کند و اشتغال‌زایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین ضعف‌های مدیریتی و شفافیت ناکافی، زمینه‌ساز هتلفادهای مالی و فساد را فراهم می‌آورد که اعتماد سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را کاهش می‌دهد. بنابراین اصلاحات ساختاری در نظام بانکی، همراه با تقویت زیرساخت‌های نظارتی و فناوری اطلاعات، به منظور ایجاد نظام بانکی مقاوم و شفاف، اهمیت بسیار بالایی دارد تا از بروز بحران‌های آینده پیشگیری کند و ثبات اقتصادی کشور حفظ شود.

مدیریت، باعث شده تا ریسک‌های سیستماتیک به‌شدت افزایش یابد. این وضعیت، علاوه بر تشدید تورم و کاهش ارزش پول ملی، اعتماد عمومی نسبت به نظام بانکی را نیز به شدت تضعیف کرده است. کاهش اعتماد، خود به تشدید خروج سپرده‌ها و بحران نقدینگی منجر می‌شود که می‌تواند چرخه‌ای معیوب و مخاطره‌آمیز در اقتصاد ایجاد کند. بانک مرکزی به عنوان نهاد ناظر و سیاستگذار اصلی وظیفه دارد با اعمال نظارت دقیق‌تر و اجرای سیاست‌های اصلاحی، زمینه ثبات و سلامت مالی بانک‌ها را فراهم آورد. اقدامات نظارتی شامل افزایش شفافیت، ارتقای کفایت سرمایه، اصلاح ساختارهای مدیریتی و محدود کردن خلق نقدینگی بدون پشتوانه از جمله راهکارهای کلیدی برای ساماندهی بانک‌های خصوصی است. در غیر این صورت، ادامه این روند می‌تواند اقتصاد کشور را در معرض بحران‌های مالی و تورمی گسترده‌تری قرار

دارایی‌های غیرنقدی و منجمد ایجاد کرده که قابلیت تبدیل به پول نقد را ندارد.

■ برنامه‌های اصلاحی بانک مرکزی

بانک مرکزی معتقد است در سال‌های اخیر تلاش‌هایی برای ساماندهی بانک‌های ناتراز انجام داده است. این اقدامات شامل الزام بانک‌ها به افزایش سرمایه، کاهش ریسک، اصلاح بنگاهداری و واگذاری دارایی‌های مازاد بوده است. همچنین معتقد است اصلاح وضعیت این بانک‌ها به‌صورت فوری و استاندارد در دستور کار قرار دارد. البته منتقدان باور دیگری دارند و می‌گویند بانک مرکزی تاکنون به خوبی از ابزارهای خود برای انجام وظیفه‌اش در راستای تعیین تکلیف بانک‌های ناتراز استفاده نکرده است. یکی از ابزارهای کلیدی در این مسیر، اجرای قانون «گزیر» است که به بانک مرکزی اجازه می‌دهد بانک‌های ناسالم را منحل یا ادغام کند، در حالی که از سپرده‌های مردم حفاظت می‌شود. همچنین بندج ماده ۸ برنامه فتمت، بانک مرکزی را مکلف کرده است تا هزینه‌های رفع ناترازی را از دارایی‌های سهامداران مقصر تأمین کند که گامی مثبت در جهت پاسخگویی سهامداران است. بانک مرکزی ضرب‌الاجل‌هایی برای اصلاح ناترازی تعیین کرده است. این نهاد همچنین برنامه‌های ماهانه‌ای برای پایش عملکرد بانک‌ها در زمینه‌هایی مانند وصول مطالبات و افزایش سرمایه نقدی اجرا می‌کند. با این حال، برخی کارشناسان معتقدند این ضرب‌الاجل‌ها به دلیل نبود نظارت مؤثر، اغلب به نتیجه مطلوب منجر نمی‌شوند.

■ لزوم اقدام قاطع و شفاف

ناترازی بانک‌های خصوصی در کشور مان به یکی از چالش‌های اساسی و خطرناک نظام اقتصادی تبدیل شده که پیامدهای جدی بر ثبات مالی و توسعه اقتصادی کشور دارد. افزایش خلق نقدینگی بی‌رویه توسط برخی بانک‌های خصوصی، در کنار کفایت سرمایه پایین و ضعف‌های

در فهرست بانک‌های ناتراز قرار دارند. این وضعیت نه تنها ثبات مالی کشور را به خطر می‌اندازد، بلکه با افزایش پایه پولی و نقدینگی به تورم دامن زده و معیشت مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این میان، بانک مرکزی به‌عنوان نهاد ناظر، مسئولیت سنگینی برای ساماندهی این بانک‌ها بر عهده دارد، اما آیا اقدامات این نهاد کافی بوده است؟ و چرا مطالبات عمومی برای برخورد قاطع با بانک‌های ناتراز روزبه‌روز افزایش می‌یابد؟

■ خلق نقدینگی بی‌رویه

یکی از مهم‌ترین دلایل ناترازی بانک‌های خصوصی، خلق نقدینگی غیرمجاز است. برخی بانک‌ها با اعطای وام‌های کلان به شرکتهای زیرمجموعه یا افراد خاص، بدون رعایت اصول بانکداری، نقدینگی را به شکلی ناسالم افزایش داده‌اند. این نقدینگی اغلب به نفع گروه‌های خاص و نه عموم جامعه بوده و به تورم افسارگسیخته منجر شده است. بدهی ۱۶۳ هزار میلیارد تومانی یک بانک بخش خصوصی به بانک مرکزی، نمونه بارزی از این مشکل است.

■ کفایت سرمایه پایین

نسبت کفایت سرمایه، شاخصی کلیدی برای ارزیابی سلامت مالی بانک‌هاست. بانک مرکزی استاندارد دادر صد را برای این شاخص تعیین کرده، در حالی که استاندارد جهانی گاهی به ۱۶ درصد می‌رسد. بر اساس گزارش‌ها، ۹ بانک ایرانی کفایت سرمایه منفی دارند، این وضعیت نشان‌دهنده ناتوانی این بانک‌ها در پوشش ریسک‌های مالی و پاسخگویی به نیازهای سپرده‌گذاران است.

■ ضعف نظارت و مدیریت

ضعف در نظارت داخلی و خارجی، همراه با ساختار حاکمیت شرکتی ناکارآمد، از دیگر عوامل اصلی ناترازی است. برخی بانک‌ها به دلیل مدیریت ناکارآمد و مداخلات سیاسی، از مسیر اصلی بانکداری خارج شده و به بنگاهداری و سرمایه‌گذاری در املاک روی آورده‌اند. این فعالیت‌ها،

ناترازی بانک‌های خصوصی در کشور مان به یکی از چالش‌های اساسی و خطرناک نظام اقتصادی تبدیل شده که پیامدهای جدی بر ثبات مالی و توسعه اقتصادی کشور دارد. افزایش خلق نقدینگی بی‌رویه از سوی برخی بانک‌های خصوصی، در کنار کفایت سرمایه پایین و ضعف‌های مدیریتی، باعث شده است ریسک‌های سیستماتیک به‌شدت افزایش یابد. این وضعیت، علاوه بر تشدید تورم و کاهش ارزش پول ملی، اعتماد عمومی نسبت به نظام بانکی را نیز به شدت تضعیف کرده است. کاهش اعتماد، خود به تشدید خروج سپرده‌ها و بحران نقدینگی منجر می‌شود که می‌تواند چرخه‌ای معیوب و مخاطره‌آمیز در اقتصاد ایجاد کند. بانک مرکزی به عنوان نهاد ناظر و سیاستگذار اصلی وظیفه دارد با اعمال نظارت دقیق‌تر و اجرای سیاست‌های اصلاحی، زمینه ثبات و سلامت مالی بانک‌ها را فراهم آورد. اقدامات نظارتی شامل افزایش شفافیت، ارتقای کفایت سرمایه، اصلاح ساختارهای مدیریتی و محدود کردن خلق نقدینگی بدون پشتوانه از جمله راهکارهای کلیدی برای ساماندهی بانک‌های خصوصی است. در غیر این صورت، ادامه این روند می‌تواند اقتصاد کشور را در معرض بحران‌های مالی و تورمی گسترده‌تری قرار دهد و اهداف توسعه پایدار را به خطر اندازد.

■ ■ ■

ناترازی بانک‌ی به وضعیتی اطلاق می‌شود که دارایی‌های یک بانک پاسخگوی بدهی‌های آن نباشند یا به عبارتی بانک نتواند تعهدات مالی خود را به‌درستی ایفا کند. این پدیده در کشورمان به‌ویژه در بانک‌های خصوصی به دلیل عواملی مانند خلق نقدینگی غیرمجاز، اعطای تسهیلات کلان به افراد یا شرکتهای خاص و ضعف در نظارت و حاکمیت شرکتی به‌جرانی مزمن تبدیل شده است. بانک‌های خصوصی از جمله نهادهایی هستند که به دلیل کفایت سرمایه منفی و اضافه‌برداشت‌های کلان از بانک مرکزی،